



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نؤمن به و نستغفره و نصلي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه و حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمة و نذير نقمته سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله في الأرضين.

همه ی برادران و خواهران نمازگزار و عزیز را و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقوای الهی، که برترین محصول و نتیجه ی این ماه مبارک است. ماه مبارک رمضان با همه ی برکاتش و همه ی زیبائی های معنوی اش، بار دیگر فرا رسید. از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام مردم را آماده میفرمود برای ورود در این عرصه ی خطیر و والا و پربرکت ؛ «قد اقبل اليكم شهر الله بالبركة و الرحمة». در خطبه ی روز جمعه ی آخر ماه شعبان، بنا به روایتی اینطور فرمود: خبر داد، توجه داد به مردم که ماه رمضان فرا رسید. اگر بخواهیم در يك جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم ماه فرصتها. فرصتهای فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصتها بتوانیم درست استفاده کنیم، يك ذخیره ی عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود. من درباره ی همین مطلب اندکی توضیح عرض میکنم و خطبه ی اول درباره ی همین مسائل مربوط به ماه رمضان و این فرصتهای بی نظیر است.

در همین خطبه ای که اشاره شد، رسول مکرم فرمودند که «شهر دعیتم فيه الى ضيافة الله» ؛ این يك ماهی است که شما در این ماه دعوت شده اید به میهمانی الهی. خود این جمله در خور تدبیر و تأمل است ؛ دعوت به میهمانی الهی. اجبار نکردند که همه ی افراد از این میهمانی استفاده کنند ؛ نه، فريضه قرار داده اند ؛ اما تحت اختیار خود ماست که از این میهمانی استفاده بکنیم یا نکنیم. بعضی هستند که در این میهمانی عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمیکنند که به این دعوتنامه توجه کنند. غفلت آنها، فرورفتگی آنها در کار مادیت و دنیای مادی به قدری است که آمدن و رفتن ماه رمضان را نمیفهمند. مثل همین که کسی را برای يك میهمانی بسیار با شکوه و پرخیر و برکتی دعوت کنند و او فرصت نکند ؛ غفلت کند از اینکه کارت دعوت را حتی نگاه کند. اینها که دستشان بکلی خالی میماند. بعضی میفهمند این میهمانی هست، اما به این میهمانی نمیروند. کسانی که خدای متعال به آنها لطف نکرده است و توفیق نداده که با اینکه عذری ندارند، روزه را نمیگیرند یا از تلاوت قرآن یا از دعاها ی ماه رمضان محروم میمانند، آنها همین افراد هستند. کسانی هستند که وارد این میهمانی نمیشوند، نمی آیند به این میهمانی ؛ حساب اینها روشن است. جمع کثیری از مردم مسلمان - امثال ما - وارد این میهمانی میشویم، اما بهره ی ما از این میهمانی به يك اندازه نیست ؛ بعضی ها بیشترین بهره را از این فرصت میبرند.

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد - که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است - شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی میگیرند ؛ پس اینها وارد ضیافت شده اند و بهره ی از این ضیافت را هم گرفته اند. لیکن علاوه ی بر روزه گرفتن - که ریاضت معنوی این ماه مبارک است - اینها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلی تأمین میکنند ؛ تلاوت قرآن با تدبیر. با حالت روزه داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه داری، در شبها و نیمه شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرا میگیرد، در حال متعارف و معمول نمیتواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند ؛ آنها از این هم بهره میبرند. علاوه ی بر اینها، از مکالمه ی با خدای متعال و مخاطبه ی با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره برداری میکنند ؛ یعنی همین دعاها. این دعای ابی حمزه ی ثمالی، این دعاها ی روزها، این دعاها ی شبها و سحرها، اینها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهی است ؛ از این هم بهره میبرند.



بنابراین در این میهمانی، از همه ی دستاوردهای آن بهره میبرند.

از اینها مقدم تر، شاید به جهتی بالاتر از اینها، ترك گناهان است ؛ در این ماه گناه هم نمیکند. در همان روایت خطبه ی پیامبر اعظم، امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) سؤال میکند از پیغمبر که در این ماه کدام عمل بافضیلت تر است. در جواب میفرماید: «الورع عن محارم الله». اجتناب از گناهان و از محارم الهی، بر کارهای اثباتی و ایجابی مقدم است ؛ جلوگیری از آلودگی و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب میکنند. پس هم روزه داری است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دوری از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزی که مورد نظر اسلام است، نزدیک میکند. وقتی این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه ها خالی میشود ؛ روح ایثار و فداکاری در انسان زنده میشود ؛ کمک به محرومان و مستمندان برای انسان آسان میشود ؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادی برای انسان روان میشود. لذا می بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم میشود، کار خیر زیاد می شود، محبت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر میشود ؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهی است.

بعضی اینطور از ماه رمضان بهره ی کامل میبرند، بعضی هم نه ؛ از يك چیزی بهره مند میشوند، از چیز دیگری خود را محروم نگه میدارند. باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره را از این ضیافت الهی بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهی، که من تأکید کنم بر روی استغفار ؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزشها ؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ. این خیلی مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم ؛ خودمان را از آلودگی ها مصفا کنیم، شستشو بدهیم ؛ و این با استغفار امکان پذیر است. لذا در روایات متعددی دارد که بهترین دعاها یا در رأس دعاها، استغفار است ؛ طلب مغفرت از پروردگار. برای همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم هم - آن انسان والا - استغفار میکرد. حالا استغفار امثال ما از نوعی از گناهان است ؛ این گناهان متعارف و معمولی و گرایشهای حیوانی در وجود ما و همین گناهان به تعبیری میگوئیم گناهان چارواداری ؛ گناه های آشکار و واضح. بعضی ها استغفارشان از چنین گناهی نیست ؛ از ترك اولی است. بعضی ترك اولی هم نمیکند ؛ اما استغفار میکنند، که این استغفار از قصور ذاتی و طبیعی انسان ممکن در قبال عظمت ذات مقدس پروردگار است ؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده ی بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج میکند. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه میشویم. وقتی به فکر استغفار می افتیم، گناهان، خطاها، خیره سری ها، پیروی از هوای نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمی که به نفس خودمان کردیم، ظلمی که به دیگران کردیم، جلوی چشم ما زنده میشود و به یادمان می آید که چه کرده ایم ؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمیشویم. اولین فایده ی استغفار این است. بعد هم خدای متعال وعده فرموده است که آن کسی که استغفار کند، یعنی به عنوان يك دعای حقیقی از خدای متعال حقیقتاً آمرزش بطلبد و از گناه پشیمان باشد، «لوجد الله توباً رحیماً» ؛ خدای متعال توبه پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوی پروردگار است ؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند میپذیرد ؛ اگر استغفار، استغفار حقیقی باشد.

توجه کنید که همین طور آدم به زبان بگوید: استغفرالله، استغفرالله، استغفرالله، اما حواسش این طرف و آن طرف باشد، این فایده ای ندارد ؛ این استغفار نیست. استغفار يك دعاست، يك خواستن است ؛ باید انسان حقیقتاً از خدا بخواهد و مغفرت الهی و گذشت پروردگار را بطلبد: من این گناه را کرده ام ؛ پروردگارا! به من رحم کن، از این گناه من بگذر. اینطور استغفار کردنی نسبت به هر يك از گناهان، مسلماً غفران الهی را پشت سر خواهد داشت ؛ خدای متعال این باب را باز فرموده است.

البته در دین مقدس اسلام، اقرار به گناه پیش دیگران ممنوع است. اینکه در بعضی از ادیان هست که بروند توی عبادتگاه ها، پیش روحانی، کشیش، بنشینند، اعتراف به گناه کنند، این در اسلام نیست و چنین چیزی ممنوع است. پرده دری نسبت به خود و افشای اسرار درونی خود و گناهان خود پیش دیگران، ممنوع است ؛ هیچ فایده ای هم ندارد. اینکه حالا در آن ادیان خیالی و پنداری و تحریف شده اینطور ذکر میشود که کشیش گناه را میبخشد، نه ؛ در



اسلام بخشنده ی گناه، فقط خداست. حتی پیغمبر هم نمیتواند گناه را ببخشد. در آیه ی شریفه میفرماید: «ولو اثم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجد الله توابا رحیما» ؛ وقتی گناهی انجام دادند، ظلم به نفس کردند، اگر بیایند پیش تو که پیغمبر هستی، از خدای متعال طلب مغفرت و طلب بخشش کنند و تو هم برای آنها طلب بخشش کنی، خداوند توبه ی آنها را میپذیرد. یعنی پیغمبر برای آنها طلب بخشش میکند ؛ خود پیغمبر نمیتواند گناه را ببخشد ؛ گناه را فقط خدای متعال باید ببخشد. این استغفار است، که این استغفار حقیقتاً جایگاه مهمی دارد. از استغفار در این ماه غفلت نشود ؛ بخصوص در سحرها، در شبها. دعاهائی که در ماه رمضان هست، اینها را با توجه به معانی اش بخوانید.

بحمدالله جامعه ی ما يك جامعه ی معنوی است. دعا و توجه و توسل و ابتغال الی الله در بین مردم ما رایج است و مردم دوست میدارند ؛ جوانهای ما دلهای پاک و نورانی شان به ذکر خدا متمایل است ؛ اینها همه فرصت است. ماه رمضان هم که يك فرصت الهی است، در اختیار ما قرار داده شده ؛ استفاده کنید از این ماه مبارك، از این فرصت بسیار بزرگ ؛ دلها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید ؛ با استغفار، دلها و جانها را پاکیزه کنید ؛ خواسته هایتان را با خدای متعال مطرح کنید. ارتباط معنوی ملت ما با خدای متعال کارهای بزرگی انجام داده است، و ماه رمضان فرصت فوق العاده ای است برای این کار ؛ از این فرصت استفاده شود.

ان شاءالله خداوند متعال به همه ی ما كمك كند تا بتوانیم در این ماه رمضان جنبه ی فرشته گون وجود خود را بر جنبه ی حیوانی خود غلبه دهیم. ما يك جنبه ی ملکی و فرشته ای داریم، يك جنبه ی مادی و حیوانی داریم. هوی های نفسانی، جنبه ی مادی را بر آن جنبه ی ملکی و فرشته ای غلبه میدهد. ان شاءالله در این ماه رمضان بتوانیم آن روحانیت را، آن نورانیت را بر جنبه ی مادی غلبه بدهیم و این را به عنوان ذخیره ای نگه داریم و از ماه رمضان به عنوان تمرینی که در طول سال این تمرین به کار ما خواهد آمد، ان شاءالله استفاده کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم
والعصر. ان الانسان لفي خسر. الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.
خطبه ی دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابی القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيما على امير المؤمنين و سيده نساء العالمين و الحسن و الحسين سيدي شباب اهل الجنة و على بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الخلف القائم المهدي حجبك على عبادك و امنائك في بلادك و صل على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين و استغفر الله لي و لكم

در این خطبه اولین مطلبی که عرض میکنیم، یاد نيك مرحوم آية الله طالقانی (رضوان الله تعالى عليه) است که نماز جمعه ی باشکوه تهران اول بار به امر امام بزرگوارمان به امامت ایشان برگزار شد. این مرحوم يك عالم مجاهد باستقامت پارسا و پاکیزه ای بود ؛ امتحان خوبی هم داد. هم در دوران مبارزه، هم پس از پیروزی انقلاب و در این معادلات پیچیده و بسیار دشواری که در زمینه های سیاسی و امنیتی بعد از انقلاب پیش آمد، مرحوم آية الله طالقانی امتحان خوبی داد. نماز جمعه هم نهاد بابرکتی شد ؛ چه در تهران، چه در سایر شهرهای این کشور. بتدریج نماز جمعه در شهرهای كوچك و كوچكتر هم در سرتاسر کشور اسلامی در هر نقطه ای تبدیل شد به كانون هم معنویت و هم مقاومت. نماز عبادی - سیاسی که تعبیری بود که آن روز ظاهرآ از زبان امام بزرگوارمان صادر شد، به این معناست ؛ هم مرکز عبادت است، هم مرکز آگاهی معنوی و سیاسی است ؛ که این آگاهی موجب نلغزیدن، راه کج نکردن و به زانو در نیامدن يك ملت است. اغلب این شکستهای که شما در صحنه ی سیاسی در دنیا برای ملتها مشاهده میکنید، منشأش ناآگاهی هائی است که ضربه های خود را در جاهای گوناگونی زده است. آگاهی، يك ملت را ضد ضربه میکند ؛ او را آماده میکند برای مقاومت. بنابراین اینجا، هم پایگاه معنویت است، هم پایگاه مقاومت. قدر این نماز را، هم آحاد مردم بدانند، هم بخصوص جوانهای عزیزمان بدانند، و هم آقایان ائمه ی جمعه ی محترم



در سراسر کشور بدانند؛ آنها هم قدر این نماز را بدانند؛ این يك منبری است که نظیر آن دیگر وجود ندارد. کاری کنند که جاذبه ی نماز جمعه، جوانها و دل‌های پاکیزه و مشتاق را به این سمت بکشاند و این کانون روزبه روز گرم‌تر شود.

يك مطلب دیگر که عرض می‌کنم و آن را مقدمه قرار می‌دهم برای مطلب اصلی ای که عرض خواهم کرد، مسأله ی هفته ی دفاع مقدس است که در پیش است. جنگی که در سال 1359 علیه جمهوری اسلامی شروع شد، اگرچه از طرف صدام بدبخت و روسیاه بود، اما پشت سر این قضیه يك پروژه ی بین المللی استکباری بود برای زمین زدن نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی. تحلیلگران غربی تحلیل کردند و فهمیدند و درست هم فهمیدند که این انقلاب فقط این نیست که يك رژیم دست نشانده را در ایران از بین برده است و این کشور عظیم و پربرکت را از سیطره ی استکبار خارج کرده؛ بلکه این حرکت الهام بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملت‌ها را به فکر خواهد انداخت. همین هم شد: فلسطین به فکر افتاد، کشورهای شمال آفریقا به فکر افتادند، در تمام دنیای اسلام حرکت و جنب و جوش هویت یابی اسلامی شروع شد که تا امروز هم همچنان روبه توسعه و گسترش است. چون فهمیدند که اینجا کانون الهام بخش دنیای اسلام خواهد شد، گفتند جمهوری اسلامی را باید ما به هر کیفیتی هست، از بین ببریم. لذا با اینکه منطقه، منطقه ی خطیری است، منطقه ی نفت است و غربی‌ها خیلی به مسأله ی نفت و خلیج فارس اهمیت می‌دهند و امنیت اینجا برایشان حیاتی است، لیکن درعین حال وارد میدان شدند، صدام را تقویت کردند، بلکه او را تشجیع کردند که این جنگ را شروع کند؛ او هم چون آدم نادان کله شق قدرت طلب خامی بود، خیال میکرد که حالا می‌آید دو سه روزه یا چند هفته ای مسأله را تمام میکند و با قدرت برمی‌گردد سر جای خود. لذا وارد این جنگ شدند و هشت سال تمام ایران اسلامی فشارهای همه جانبه ای را که از سوی همه ی قدرتهای بزرگ دنیا بر ایران از کانال جنگ وارد شد، تحمل کرد؛ این خیلی مهم است. شوروی سابق از این کانال به ایران فشار آورد، امریکا فشار آورد، پیمان ناتو - اروپائی‌ها - فشار آوردند، مرتجعین منطقه با انواع و اقسام طرق از این کانال علیه جمهوری اسلامی فشار آوردند. یکی از این فشارها هر انقلابی را، هر دولتی را به زانو درمی‌آورد و از پا می‌انداخت؛ اما مجموع این فشارها نه فقط جمهوری اسلامی را از پا درنیاورد، بلکه ملت ایران را قوی‌تر و آگاه‌تر، و عزم و اراده ی آنها را راسخ‌تر کرد و جمهوری اسلامی را روزبه روز به سمت قوت اسلامی و الهی پیشتر برد. ایستادگی در میدان دفاع، چنین اثری را به وجود آورد.

ضربات فراوانی هم به جبهه ی مقابل زده شد. یعنی صدام و رژیم بعثی ضربه ی اصلی را اینجا خوردند. امریکا به فکر افتاد که میتواند دست و پای آنها را جمع کند. یعنی دیدند رژیمی است توخالی که متکی به مردمش نیست؛ این را فهمیدند. در واقع ضربه ی اصلی را ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به این متجاوز زد، که آخرش به این جاها منتهی شد که ملاحظه میکنید. اما جمهوری اسلامی روزبه روز قوی‌تر شد. حالا میشنوید میگویند تحریم و محاصره و از این حرف‌ها. از این محاصره‌ها و تحریم‌ها بمراتب بدتر در دوره ی جنگ بود. ما در میان همان تحریم‌ها بوده است که نیروهای نظامی دست خالی خودمان را امروز به اینجا رساندیم و از لحاظ توانائی‌های نظامی، جمهوری اسلامی در خط مقدم توانائی نظامی در این منطقه است. امکاناتی که جمهوری اسلامی توانسته است با قدرت، با ابتکار، با استفاده از خلاقیت خود و با جوشش درونی به وجود بیاورد، چشم‌ها را خیره کرده است. در زمینه های گوناگون علمی و فناوری و پیشرفتهای گوناگون هم که جای خود دارد و روشن است، که يك نمونه اش این مسأله ی انرژی هسته ای است. اینها همه در دوران تحریم و در دوران فشار، به دست ملت ایران آمد. یعنی تحریم‌ها نه فقط اثری نکرد، بلکه اثر عکس کرد؛ نیروهای درونی را به فکر واداشت و به حرکت وادار کرد.

حالا حرف اصلی ای که من می‌خواهم در جملات کوتاهی امروز عرض کنم، این است که سرکوب انقلاب و شکست انقلاب - که يك پروژه ی استکباری بود - در این منطقه شکست خورده است و بعکس، مهاجمین به انقلاب، حتی در حجم دولت حجیم و قدرتمندی مثل امریکا، روزبه روز به شکست و انهزام نزدیکتر میشوند. امروز ما نشانه‌ها و علائم واضح شکست را در سیاست‌های امریکائی در منطقه مشاهده میکنیم. اینها برای ملت ما و برای جوانان ما و برای تحلیلگران ما سرفصل‌های مهمی است که باید روی آن واقعاً تدبیر کنند. یعنی بحث عظیم مواجهه ی نیروهای



مردمی متکی به معنویت با نیروهای مادی متکی به زور و تهدید، يك بحث بسیار مهم و جدیدی است که باید در مباحث علوم اجتماعی و روان شناسی ملتها و روان شناسی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد؛ این کاملاً مغفول عنه است. ملتی مثل ملت ما که نه بمب اتم دارد، نه از لحاظ علمی به او فرصت داده شده در طول صد سال که همپای پیشروان قافله ی علمی حرکت کند و مواقع زیادی عقب مانده، هم از لحاظ ثروتها به پای آن کشورهای ثروتمند نمی رسد، اما در عین حال این کشور و این ملت توانسته است توطئه های مجموعه ی کشورهای قدرتمند برخوردار از سلاح و تکنولوژی و ثروت مادی و رسانه ای را در مهمترین میدانها به عقب نشینی وادار کند و شکست بدهد. این علتش چیست؟ این در خور تأمل و تدقیق است. این را باید دانشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی تحلیل کنند؛ ببینند نقش این معنویتها چگونه خود را نشان میدهد، که امروز در ایران نشان داده. لذا نگاه به این صحنه، نگاه عبرت آموز و درس آموزی است. صحنه، صحنه ی شکست قدرت استکباری امریکاست. نمیخواهیم ادعای واهی بکنیم؛ نه، اینها چیزهای واضحی است و خودشان هم میگویند.

امریکائی ها قضیه ی 20 شهریور، یعنی همان 11 سپتامبر چهار پنج سال قبل را بهانه ای قرار دادند برای اینکه مطامع خودشان را در خاورمیانه پیش ببرند. هدف اصلی آنها هم این بود که بتوانند خاورمیانه ای درست کنند بر محور منافع اسرائیل؛ به تعبیری که آن روز ما میکردیم، خاورمیانه ای با پایتختی اسرائیل؛ اینطور چیزی مورد نظرشان بود. اشغال عراق و حمله ی به عراق، جزئی از نقشه های این پروژه بود. عراق یکی از ثروتمندترین کشورهای این منطقه و کشورهای عربی است؛ کشوری که امروز متأسفانه مردمش اینطور در فقر و حالت دردآوری زندگی میکنند. امریکائی ها میخواستند این کشور را در مشت بگیرند - صدام کافی نبود، غیر قابل محاسبه بود - دولتی را در آنجا سر کار بیاورند که هم ظاهر مردمی داشته باشد، هم توی مشت آنها باشد. این یکی از قدمهای مهم ایجاد خاورمیانه ی جدید بود که باید بر محور منافع اسرائیل به وجود بیاید. آن وقت چنین خاورمیانه ای میتواند ایران اسلامی را در محاصره قرار بدهد؛ هدفشان این بود. شما حالا جزء جزء این نقشه را مورد ملاحظه قرار بدهید. در فلسطین این نقشه شکست خورد. فلسطین که يك نقطه ی اصلی و محوری بود، این نقشه در آنجا شکست خورد. چرا؟ به خاطر اینکه در فلسطین گروه حماس که بزرگترین و اصلی ترین هسته ی مقاومت در مقابل اسرائیل است، با آراء مردم دولت تشکیل داد و سر کار آمد. تودهنی به امریکا و اسرائیل از این بالاتر؟ از آن روزی هم که این دولت به وجود آمده است، مرتب دارند کارشکنی میکنند که از میدان خارجش کنند؛ اما تا امروز نتوانسته اند. متأسفانه از خود بعضی از فلسطینی ها هم کمک گرفتند برای به زانو در آوردن دولت مردمی فلسطین؛ اما تا امروز بحمدالله نتوانسته اند، امیدواریم بعد از این هم نتوانند. این مربوط به فلسطین.

خود رژیم صهیونیستی هم - که هدف، تقویت این رژیم بود - ضربه خورد و امریکائی ها هم تودهنی خوردند. چگونه تودهنی خوردند؟ تابستان سال گذشته، این نیروی نظامی پرهیاهوی پرمدها - ارتش اسرائیل که ادعا میشد قوی ترین ارتش این منطقه است - با ساز و برگ مفصل وارد جنگ با لبنان شد؛ آن هم نه با يك کشور، نه با يك دولت؛ با يك نیروی منظم، با چند هزار نیروهای حزب الله و مقاومت اسلامی. سی و سه روز این جنگ طول کشید، که در این منطقه سابقه ندارد. چندین جنگی که اسرائیل با اعراب داشته است، از چند روز - حداکثر یکی دو هفته - تجاوز نکرده است. این جنگ، سی و سه روز طول کشید و با شکست کامل و مفتضحانه ی ارتش اسرائیل تمام شد. کی تصور میکرد؟ امریکائی ها اصلاً فکرش را نمیکردند، اما اتفاق افتاد. این هم يك تودهنی. آنها قصد داشتند در لبنان حزب الله را خلع سلاح کنند؛ اما حزب الله نه فقط خلع سلاح نشد، بلکه آنچنان قوی و مقتدر شد که توانست ارتش اسرائیل را که به صورت افسانه ای شکست ناپذیر میدانستند، شکست بدهد.

پس در مورد دولت فلسطین شکست خوردند، در مورد دولت جعلی صهیونیستی شکست خوردند، در مورد قطع کردن دست جوانان رشید لبنانی از کمک به فلسطین شکست خوردند، در مورد عراق هم شکست خوردند. عراق را آمدند اول با فتح نظامی اشغال کردند. این، قدم اول بود و بخش آسان مسئله بود. امروز بیش از چهار سال از اشغال عراق به وسیله ی امریکائی ها و همپیمانانشان می گذرد. همه در دنیا قضاوتشان این است که امریکا در عراق شکست خورده. همه ی تحلیلگران دنیا می دانند که امریکا امروز با سراسیمگی دنبال راهی میگردد که آبرومندانه از عراق



خارج شود. همه می دانند که امریکا در عراق به بن بست رسیده. هدف امریکائی ها این بود که يك دولت دست نشانده به وجود بیاورند. دولتی که مردم عراق روی کار آورده اند، دولتی است که با هدفهای امریکائی خیلی فاصله دارد؛ در مقابل امریکائی ها می ایستد؛ دست نشانده ی آنها و تسلیم آنها نیست. امریکائی ها خیلی به این در و آن در زدند، بلکه بتوانند دولت مردمی را ساقط کنند و دولت خودشان را سر کار بیاورند، اما نتوانستند؛ تا امروز هم نتوانسته اند. اگر ملت عراق ان شاءالله هوشیاری شان را حفظ کنند، بعد از این هم نخواهند توانست.

در مورد تضعیف جمهوری اسلامی و محاصره ی جمهوری اسلامی هم قضیه بعکس شده. به همت مردم ایران، به توفیق الهی، به حول و قوه ی پروردگار، این ملت نردبان اعتلاء و ترقی را همین طور پی در پی، پله بعد از پله پیموده و بالا رفته است. امروز ما از لحاظ موقعیت سیاسی از چهار سال قبل و پنج سال قبل که امریکائی ها آن هدف را شروع کردند، بالاتریم. امروز ما از لحاظ تمکن علمی بالاتریم؛ از لحاظ منابع مالی جلوتریم. امروز ملت ما از لحاظ نشاط و آمادگی روحی جلوترند. امروز ملت ما از لحاظ حاکمیت ارزشهای انقلابی و مبانی امام بزرگوار، جلوتر از گذشته است. در طول این چهار پنج سال هرچه تلاش کردند، بعکس، ملت ایران زنده تر، هوشیارتر، بانشاطتر و در صحنه ترند و در هیچ مسأله ای نیست که انسان ببیند ملت ایران از خودشان بی تفاوتی نشان میدهند، در حالی که جای حضور آنهاست. محصول امریکا این است: شکست کامل در قضیه ی اهداف خود. علاوه بر این، امریکائی ها امروز از طرف امت اسلامی مورد سؤالند و استیضاح میشوند. امروز امریکا در افکار عمومی ملت اسلام و امت اسلامی محکوم است. می شنوید این نظرخواهی ها و نظرسنجی های گوناگون را در اطراف دنیای اسلام؛ همه حکایت میکند از منفوریت امریکا و محکومیت امریکا؛ اینها مورد سؤالند.

من اعتقاد راسخ دارم که روزی خواهد آمد که همین رئیس جمهور کنونی امریکا و مسئولین امریکائی در يك دادگاه عادلانه ی بین المللی به خاطر فجایعی که در عراق به وجود آورده اند، گریبانشان گرفته شود و محاکمه شوند. امریکائی ها باید جواب بدهند چرا از اشغال عراق دست برنمی دارند؛ باید جواب بدهند که چرا عراق را اینطور امواج ناامنی و طوفانهای ناامنی و تروریستی فراگرفته. تروریسم را امریکائی ها آوردند به عراق تحمیل کردند. باید جواب بدهند که در این کشور ثروتمند چرا پنجاه درصد مردم امروز بیکارند؛ چرا از خدمات عمومی در این کشور اثری نیست. مردم مشکل برق دارند، مشکل سوخت دارند، مشکل آب سالم و آب آشامیدنی دارند، مدارسشان ویران شده، دانشگاه هایشان ویران شده، مدرسه ای ساخته نشده، بیمارستانهایشان از حیّز انتفاع خارج شده. مردم نیازمند به بیمارستانند؛ کدام بیمارستان را امریکائی ها ساختند؟ کدام بیمارستان را تجهیز کردند؟ کدام دانشگاه را ساختند یا تعمیر کردند؟ کدام جاده را درست کردند؟ کدام خط لوله را کشیدند؟ کدام آب آشامیدنی را وصل کردند؟ اینها جواب لازم دارد؛ اینها را بایستی امریکائی ها جواب بدهند؛ نمیتوانند شانه خالی کنند. حالا امروز يك چهار صباح با بی اعتنائی با این قضایا برخورد کنند، اما همیشه اینطور نخواهد ماند؛ گریبان اینها را میگیرند؛ مثل اینکه گریبان خیلی ها گرفته شد. قدرتمندانی که گریبانشان گرفته شد، کم نیستند. گریبان هیتلر يك روز گرفته شد، گریبان صدام يك روز گرفته شد، گریبان بعضی از رؤسای اروپائی گرفته شد. ملتها با این روش مخالفند، ملت امریکا هم مخالفند. ملت انگلیس هم از بودن انگلیسی ها در عراق ناراحت بودند و بدشان می آمد، که مجبور شدند انگلیسی ها بگذارند از بصره خارج شوند. مردم اسپانیا و ایتالیا هم که دولتهایشان کمک امریکا در جنگ به عراق بودند، آن دولتها را ساقط کردند؛ دولتهای دیگری در هر دو کشور سر کار آمدند. مردم دنیا از این وضع ناراحتند. آنچه پیش می رود، خواست ملتهاست؛ خواست آحاد مردم است. قدرت نمائی قدرتمندان دیری نمیپاید. امریکا شکست خورد. در این حرکتی که از چند سال پیش در این منطقه راه انداختند، که هدفش خاورمیانه بود و به نظر ما هدف نهائی و غائی اش جمهوری اسلامی بود، نه خاورمیانه را توانستند به دست بیاورند، نه جمهوری اسلامی را توانستند تضعیف کنند؛ عراق هم که وضعشان اینطوری است.

امریکائی ها دچار مشکلند. حالا فرافکنی و طلبگار شدن رسانه ای که اهمیتی ندارد. حالا ایران یا کشور دیگری را متهم بکنند، که مایه ای ندارد. اما در خود این گزارشهایشان، ضعف و فروماندگی و پای در گلی کاملاً آشکار است. همین نمایندگان سیاسی و نظامی امریکا در عراق که رفتند به کنگره ی امریکا گزارش جنگ عراق را بدهند، چیزی



که توانستند به عنوان دستاورد ذکر بکنند، این بود که گفتند عراق به بازار تسلیحاتی امریکا ملحق شد. خاک بر سرتان! يك کشور را گرفتند، اینطور مردم را لگدمال کردند، اینطور منافع ملت را از بین بردند، آن طور به ملت خودشان دروغ گفتند که ما به این نیت داریم میرویم، این کارها را می خواهیم بکنیم، حالا نتیجه این است که تسلیحات امریکا در عراق قابل فروش رفتن است! این، نشان دهنده ی نهایت ضعف و عقب ماندگی است؛ نشان دهنده ی این است که حقیقتاً ناکامند.

برادران و خوهراں عزیز! ملت بزرگ ایران! قدر خودتان را بدانید؛ قدر این راه را بدانید؛ قدر این صراط مستقیمی که شما را قدرتمند و عزیز کرد و دشمن شما را در مقابل شما کوچک و حقیر کرد، بدانید. این راه، راه خداست؛ دعوت پیامبران خداست؛ راه حاکمیت اسلام است.

ما مسائل فراوانی در زمینه ی امور داخلی کشورمان داریم که میتوانیم درباره ی آنها بحث کنیم؛ اما مجال نیست. من تنها چیزی که عرض میکنم، این است که ملت ما هوشیار باشند، بیدار باشند. شما به برکت این بیداری و هوشیاری کارهای زیادی کرده اید، عرصه های زیادی پیش رفته اید و تصرف کرده اید، موفقیتهای بزرگی به دست آورده اید؛ باز هم در سایه ی همین بیداری و هوشیاری است که خواهید توانست قله ها را فتح کنید، خواهید توانست خود را از آسیب پذیری بیرون بیاورید. کاری کنید که دیگر کسی جرأت نکند ملت ایران را تهدید هم بکند. جمعه ی آخر ماه، روز قدس را داریم که حالا احتمال دارد در ماه رمضان امسال يك جمعه جلوتر بیفتد، برای اینکه همه ی کشورهای اسلامی بتوانند شرکت کنند. حالا این مسئولیتش با مسئولینی است که این کارها را تدبیر میکنند. جمعه ی قدس را به یاد داشته باشید و فراموش نکنید. ان شاءالله همه ی ما بتوانیم از فرصتهای این ماه حداکثر استفاده را بکنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا جاء نصر الله والفتح. و رأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا.

فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا.